

## شیوه‌های مبارزه با سوداگری‌های مالی

## در سطح ملی و جهانی

محمد تقی بر و مند

جهانی شدن افسارگسیخته اقتصاد که به تدریج مرزها را در هم می‌نبرد تعامل مالیاتی را که دولت‌ها به اعتبار آن به تنظیم کارهای عمومی می‌پردازند از بین می‌برد. به ویژه این نوع جهانی شدن امکان مالیات‌بندی سوده‌های حاصله از پیورس‌سازی مالی و مالیات بستن بر سودها و سرمایه‌گذاری‌های مؤسسه‌های بزرگ را ویران می‌کند. به طوری که ملاحظه می‌شود سرمایه‌های کشورهایی پیشرفته بر وفقه در مفسر سواره ما در گنت و گذارنده این مسئله تعریف سوده‌های مشمول مالیات و هم چنین تعریف هویت دولت‌ها را که باید بر آن‌ها مالیات بیندازد فوق‌العاده دشوار کرده است. شکنجی اقدام کشورهای کم توسعه یافته که به منظور جذب سرمایه‌های خارجی به هر قیمت حمایت‌های مالیاتی را افزایش می‌دهند باعث شده است که مؤسسه‌های بزرگ از این امتیازها برای کاهش مالیات‌ها در کشور اصلی‌شان استفاده کنند. فرسایش اساس مالیات بر سرمایه بر پشت‌ها از کار و افزایش خلده است.

این وضعیت مخصوصاً درون اتحادیه اروپا به خوبی آشکار است که در آن سهم مالیات بر درآمدهای سرمایه و زحمتمندان مستقل در مجموع درآمدهای مالیاتی پیوسته رو به کاهش بوده و از ۵۰٪ در ۱۹۸۰ به ۳۵٪ در ۱۹۹۲ تنزل داده است و این در حالی است که سهم مالیاتی مزدبازان در همان مدت از ۳۵٪ به ۴۰٪ افزایش یافته است. در ایالات متحد مالیات بر شرکت‌ها بیش از ۱۷٪ در دولت‌های مالیاتی دولت فدرال در ۱۹۹۰ را نشان نمی‌دهد مهم مالیاتی این شرکت‌ها در ۱۹۶۵ بالغ بر ۳۷٪ بود.

وژاکونی نظام مالیات بر سرمایه در جهت نظام مالیات بر کار دو شده. طرف‌ها از یک سو هزینه بیش از پیش بالای حمایت اجتماعی دولت‌های مدون را از سوی دیگر، تحرک فزاینده سرمایه‌ها، کار و سرمایه عامل‌های تولید هستند مالکیت لرضی نیز عامل تولید محسوب می‌شود. قابلیت مالیات‌بندی یک دولت به حقا با پایه مالیاتی آن بستگی دارد بنابراین اثر سه عامل تولید کار و سرمایه و مالکیت لرضی، سرمایه در میان آن سیال تر است و مالکیت لرضی تحرک کم‌تری دارد. چنین کار به سرزمین اصلی خود وابسته است، انتعاطات با پذیرد و در نتیجه به آسانی

مالیات‌پذیر است. سرمایه‌ی مالی و بیش از پیش سرمایه‌ی مادی توقعت‌اند به علت انتعاط‌پذیری بر دستگاه وصول مالیات غلبه یابند. ولنگی، قانون‌های مهاجرت تحرک کار را محدود نمی‌کنند؛ اما برای گردش سرمایه چنین محدودیتی به وجود نمی‌آوردند.

پس انحصار زیرزمینی مؤسسه‌های بزرگ روی دو جدول کار می‌کند: از یک سو از مالیات فزاینده می‌کند و از سوی دیگر از محیطی (زیرساخت‌ها، تشکیلات و غیره) سود می‌برد که با مالیات‌های دیگر مالیات‌دهندگان تأمین مالی شده است. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی اروپا این واقعیت را بدین شکل بیان می‌کند: به دلیل تحرک فزاینده بین‌المللی سرمایه‌گذاری‌های ثابت و سرمایه‌گذاری‌های مالی، ضرورت کاهش مالیات بر درآمدهای سرمایه آشکار می‌شود. این رویه بخش مهم بار مالیات روی کار که عامل کم تحرک است، حفر می‌شود.

جهانی شدن منبع دیگر درآمدهای مالیاتی دولت‌ها یعنی مالیات بر مصرف و آ تهدید می‌کند. انقلاب فستی به اعتبار فضای مجازی (Cyberspace) سرزمینی تجاری به وجود آورده که به هیچ دولتی مربوط نیست و بدین ترتیب اکنون رها از هر نوع مالیات‌بندی است. هنگامی که مصرف‌کننده‌ی هلندی یک نرم‌افزار از مغازه‌ی Hays خریداری می‌کند، مالیات ارزش افزوده را با نرخ صحن می‌پردازد اما وقتی همان نرم‌افزار را از اینترنت و تبادل اطلاعات از راه دور می‌خرد چه نرخی به کار می‌رود؟ نرخ محلی که نرم‌افزار را خریده یا نرخ محلی که مبدأ آن است، چگونه دولت‌ها می‌توانند خط سیر این معامله‌ها را تعقیب کنند؟ صورتی که به نوشته اگونوست هابترشت کاری جز حذف مرزهای دولت انجام نمی‌دهد و هم چنین هویت مؤسسه‌ها و افرادی را که تجارت می‌کنند محو می‌کند.

فروش کتاب در آمریکا که با رشد بسیار زیادی روبروست در منازم‌های بزرگی که در هر شهر بزرگ قایم است انجام نمی‌گیرد بل که به وسیله سایت اینترنت سیاتل و آمازون با کم‌ترین هزینه‌های عمومی و ذخیره میلیون‌ها عنوان کتاب صورت می‌گیرد این سایت می‌تواند آزادانه قیمت‌های خود

را تعیین کند و خدمت‌هایش را عرضه نماید. اما در زمان کتاب در منزل در هر ساعت از روز و در دور از دسترس کتاب‌فروشی‌های سنتی وجود دارد. خریدها با اینترنت اکنون شامل یک درصد تخفیف خریدهای است که در ایالات متحد انجام می‌گردد. اما عقیده بر این است که طی ۲۵ سال آینده به ۵۰٪ می‌رسد.

با این همه، طرف‌های ذینفع در زمینه سیستم‌های مالیات‌بندی جهانی سرمایه درآمدهای آن فکر مشابه نفلوند میان کشورهای جهان سوم و کشورهای صنعتی، میان منافع مالیات بر اساس محیط (Eco-tax) و میان مالیات بر کار، میان کسانی که خوشتر بازنه‌ها تر هستند این ترانسفان و بی چیزان کسانی که از طرفندگان درآمدهای تأیید در کشورهای پیشرفته‌ها برای شرکت‌های بزرگ فرستاده می‌شود. در مجموع مخالف با هر سیستم جهانی مالیات‌بندی هستند مانند‌های آسمانی که علی‌رغم این مانع‌ها نزدیکی منافع کافی از گروه‌هایی که از چنین سیستم‌ها برای عنوان برخی پیشنهادهای مشخص سود می‌برند، و طرفدار از این رویه در ۱۹۷۸ جیسز توین آمریکا برنده جایزه نوبل در اقتصاد در زمینه سود حاصل در مسانه‌های نقدی در بازارهای لرضی نرخ پیشنهاد کرد که در آن وقت به مسئله‌های بازار مالی پایان دهه ۷۰ در ارتباط با بی ثباتی پولی از دروازه‌های سیستم برترین بود. شیک نقدی، شدن دلار، پیورس‌سازی شدید با پول‌های دیگر و به جریان افتادن کشور سیستم جدید نرخ‌های شاور، پاسخ می‌دهد بنابراین، پیشنهاد جیسز نور حمایت از ثبات مالی با پرداخت بهای پیورس‌ها بود در آن وقت، استفاده از درآمدهای مالی تخفیف شده ابداع‌کننده آن تبدیل به طور افتاد اعلام یافته بود که هیجاست سوده‌های حاصله توسط بین‌المللی پول با بانک جهانی جمع‌آوری شده ولی بعد استفاده از عایدی مالیات‌بندی ترین رکن مرکزی گفتمان درباره‌ی مالیات‌بندی چه تبدیل شد.

جیسز توین پیشنهاد خود را از بکر بزرگ‌ترین اندیشمندان دولت مدرن قرن بیستم

چنان بسیار کینز الهام گرفت. او نیم قرن از پیدایش رایانه شخصی، فن شناسی های اطلاعات و ماهرهای ارتباطات با پیش گوئی شگفت انگیزی نوشت: همه تدریج که سازمان بازارهای سرمایه گذاری تکمیل می شود، خطر سلطه جویی بورس بازی افزایش می یابد، بدون شک، بورس بازیون روی جریان منظم فعالیت مؤسسه تاول های خطرناکی نیستند، اما اگر مؤسسه روی گردش سریع بورس بازی به تاول تبدیل شود، وضعیت خطرناک می شود، هر آن چه که اکنون به یک استاره تبدیل شده و توسط جیمز تروین همسویت یافته عبارت از هفکندن کسی شن در چرخنده های خوب روشن خورده بورس بازی مالی است.

در آغاز، جیمز تروین پیشنهاد کرد که هم زمان در همه کشورها نرخ یکپارچه انگلیس به همه معامله های مشت بر ارزش برقرار گردد تا مانع شود که مؤسسه های مالی معامله های ارزشان را به مکان های دور منتقل کنند. یک چنین مالیاتی باید به بانک های مرکزی اجازه دهد که تا اندازه معینی استقلال پولی در برابر بازارهای مالی خصوصی کسب کنند.

بسیاری دولت ها برای فروش سندهای بهائار (سهام و تسهیلات) مالیات وضع کرده اند تا از بورس بازی در این بازارها جلوگیری کنند. با این همه، هیچ یک از دولت ها برای حجم سرمایه هایی که وارد سرمایه های لروزی می شوند، مالیات نمی بندند، تجربه مالیات بندی سندهای بهائار نشان می دهد که معامله های فرانسورزمینی انجام نمی گیرد یعنی آن ها به محل و امکان های اطلاعات و تماس شخصی که در سوددار سرپیچند، اما برای مالیات بندی بورس بازی در بازارهای ارزش که این نوع نزدیکی مادی را لازم ندارد وضع به همان ترتیب پیش نمی رود.

## ۷۲۰ میلیارد دلار درآمد سالانه

بدیهی است که جیمز تروین نمی توانست انتظار حجم معامله های عرصه پول ها را پیش بینی کند: در حقیقت معامله هایی که در ۱۹۸۵ تقریباً بالغ بر ۱۵۰ میلیارد دلار در روز بود، در طول این دهه از ۱۰۰۰ میلیارد دلار در روز و به قوی ۱۵۰۰ تا ۱۸۰۰ میلیارد دلار فراتر است. مسئله تنها عبارت از معامله های فوری نیست، برخی روی قراردادهای مدت دار (آینده) و رهنمای خرید و فروش که جیمز تروین در نظر گرفته بود تکیه می کنند. پس به جاست که برای محاسبه پایه ایی که مالیات بر آن متکی است، به اسلوب هایی دست یابیم که معامله های نوع اخیر را در نظر گیرد.

کنفرانس ملی متعدد در زمینه تجارت در توسعه (CUNCED) هم زمان در زمینه بازده مالیات تروین و کشورها که می توان آن را با محدود

استفاده قرار داد برآوردهای انجام داده است. بتایر محاسبه کنفرانس اگر از ۱۰۰۰ میلیارد دلار در دست مالی در روز ۲۰۰۰ مدم درصد مالیات گرفته شود، سالانه ۷۲۰ میلیارد دلار به دست می آید. به طوری که ملاحظه می شود این مبلغ عظیم با مالیات بسیار تأیید به دست می آید. به عنوان فرض کار کنفرانس پیشنهاد کرده است که سبب به دو نوبت تقسیم شود ۳۶۰ میلیارد دلار در اختیار دولت های قرار گیرد که مالیات را جمع لوری می کنند و ۳۶۰ میلیارد دلار به صندوق های باز توزیع کشورهای ثروتمند تروین براساس که به کشورهای فقیر واریز گردد.

عامل هایی که به گامیابی و یا ناکامی مالیات جهانی کمک می کنند از این قرارند: ساختگی و سهولت مدیریت: یک پارچگی در سیاست اقتصادی معقرلاته به نجوی که با فکر حساس نسبت به هر مالیات بیگانه نباشد، بازده مالی کافی برای نبرد سیاسی که به زحماتش می آوزد؛ مداخله کشورهای شمال و جنوب مالیات تروین در میان آن ها سه مورد نخست: بر آبرود می سازد؛ اما مخاطب آن فقط کشورهای ثروتمند ایالات متحده، ژاپن و بریتانیاست که با بازارهای لروزی آن در ۲۷ ساعت کار می کنند. مخصوصاً جهان سوم در اجزای متفاوت خود سودبرنده این مالیات است. بی آن که در راه اندازی آن نقش ایفا کند.

شکل دیگر مالیات بر سرمایه، مالیات بر سرمایه گذاری های مستقیم در خارج است: مانند سرمایه گذاری های در ثروت های غیر منقول، تجهیزات آن ها و فن شناسی هایی که به آن ها مربوط می شود پیوستگی آن با مالیات تروین روشن است: اگر داد و ستدهای مالی ثروت را به خود جلب کند، از سرمایه گذاری های مستقیم صرف نظر می شود. آن گاه مثلث در معرض خطری قرار می گیرد که کینز در دهه ۲۰ در این باره نوشت: قوتی توسعه یک کشور به تولید فرعی فعالیت های یک کارکنر تبدیل می شود، چیز مهمی برای بهبود اوضاع باقی نمی ماند، به طور سنتی، مالیات بر شرکت ها مبتنی بر سودهای حاصله است. این مالیات چندین دهه پس از پایان جنگ دوم جهانی بسیار مؤثر بود و درآمد های مالیاتی عمده ایی برای دولت ها فراهم می کرد؛ اما امروز جهانی شدن و فرار سرمایه ها جمع آوری آن را نوبت الهامه دشوار کرده است. از آغاز دهه ۷۰، مؤسسه ها مخصوصاً به پاری قیمت های اشتغال ابتدا در شرکت ها و سپس در خدمات تولیدی خود را در زمینه دور زدن نظام مالیاتی پیوسته تکمیل کرده اند. مؤسسه های که محصول پیچیده ای را در چند کشور تولید می کنند؛ فعالیت های متعدد درونی قابل محاسبه را خارج از بازار جهانی می دهد. مؤسسه اجزای محصولات را در کشورهای مختلف تولید می کند و محاسبات را در مکان های گوناگون، تفارک رینده و سایر همه را

در یک محصول کامل که در جای دیگر ساخته و پرداخته می شود ترکیب می کند، پژوهش توسعه اش را به سایت های پراکنده انتقال می دهد، و تر سطح سیاره می فروشد و تولید و فروش را بر اساس یک یا چند مرکز اجتماعی افاده می کند. هم چنین مؤسسه قادر است درباره قیمت مناسب فعالیت هایش در بازار خاص درونی خود تصمیم بگیرد و بدین ترتیب در جایی که نظام مالیاتی بسیار سنگین است، هزینه ها را بالا و در تبع آن سودها را پایین و مر کشورهای که نظام مالیاتی اش سبک است، سودها را با مهم اعلام می دارد.

مثلاً شرکت نایکی (Nike) بخشی از فعالیت هایش را که مستقر هزینه زیاد، نیروی کار (پژوهش، توسعه، بازاریابی و مدیریت) است در ایالات متحده مستقر کرد تا در آن جا سودها را تأیید اعلام دارد. فعالیت های دیگر به کشور دیگر منتقل شد (دروزی که نظام مالیاتی ضعیفی دارد، مثلاً استرالیا) جیله ها به این مؤسسه امکان داده است و راهبرد مالیاتی جهانی را بنا نهاد. برای دولت ها افشای این تقب ها دشوار و حتا ناممکن است. تحقیق در این زمینه آن قدر گران تمام می شود که به زحمتش نمی آوزد.

## تضاد ققتمان مبادله آزاد

پس برای این که مالیات بر سرمایه باقی مؤثر باشد، باید استراتژی قابل محاسبه بین ابلاغ کرد و رکنی از فعالیت مؤسسه ها را در نظر گرفت که مثل سرمایه گذاری های مستقیم در خارج برای فرار مالیاتی مناسب نیست. کشورهای که این سرمایه گذاری های در آن ها اصحت زیادی دارد کشورهای هسته که دستمزدهای بسیار پایین و زینت شان بسیار شدید است و نظام مالیاتی بسیار ضعیف دارند در مجموع سرمایه گذاری های مستقیم در خارج طی سال ۱۰ پنج برابری شد و ۶۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۵ به ۳۱۵ میلیارد دلار در ۱۹۹۵ و ۳۲۵ میلیارد دلار در ۱۹۹۷ رسیده است. در پایان این دهه سهم جریان سرمایه بالغ بر ۲۴۰ است که تاکنون هرگز مایه ثلثت است. طی پنج سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۵ این سهم ۲۵٪ رسیده است. از این رو، کشورهای پیشرفته OCDE سالانه تقریباً ۱۳۰ میلیارد دلار در کشورهای جهان سوم سرمایه گذاری می کنند که بیش از ۲۰ میلیارد دلار آن به چین اختصاص دارد.

این امر مسته استثنای اقتصاد جهانی کشورهای با مزد پایین و که صرفاً سازمان بین المللی کار در زمینه ایمنی اجتماعی، منع کار کودکان، عدم استفاده از نیروی کار زنان، و حتا منع کار اجباری را از رعایت رعایت ملایم می سازد. شرکت های فرانسوی در حالیکه در آن ها می تولید

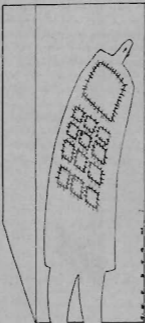
نه فقط فعالیت‌های بسیار شدید نیروی کار، بل که هم چنین فعالیت‌های بسیار پیچیده و نسبی فعالیت‌های بسیار شدید سرمایه‌ی انسانی را به کشورهایی که در آن‌ها مزدها بسیار ناچیز و مالیات پایین است، منتقل کنند.

سندبکاهای کشورهای پیشرفته این اقدام‌ها را هم چون خطری برای مزدها، شرایط کار و امنیت شغلی اعضایش خود تلقی می‌کنند. با این که شماری از اثرهای اقتصادی در تلاش‌اند مسئله غیرمحمول شدن به سوی کشورهای با مزد پایین را کوچک جلوه دهند، شرکت‌های بزرگ و دستیاران حکومتی آنان به طور محسوس نسبت به این مسئله روض دیگری دارند. شرکت‌های بزرگ هنگامی که با سندبکاهای مذاکره می‌کنند و یا متصل به تهدید در بستن پایگاه تولید می‌شوند، بیست و رقابت کشورها را به رخ می‌کشند. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی اروپا نیز در این زمینه از یک سو ضرورت این انعطاف‌پذیری را به صورت تنزل مزدها و کمک‌های تأمین اجتماعی و مست کردن قانون کار به عذر مقابله با رقابت کشورهای با مزد پایین مطرح می‌سازد و از سوی دیگر مدعی است که این رقابت به نتیجه تکیه نمی‌کند.

مالیات بر سرمایه‌گذاری‌های مستقیم در خارج باید هم‌زمان با قرار سالیانه‌ای که موجب تحرک سرمایه‌ها و فرسایش حقوق اساسی زحمتکشان در کشورهای پذیرنده سرمایه می‌گردد به مقابله برخیزد این کار باید بدون محروم کردن کشورهای فقیر از جریان سرمایه‌گذاری‌ها و بدون دیکه کردن محل‌های سرمایه‌گذاری به شرکت‌ها صورت بگیرد این مالیات هم در کشورهای شروتمند و هم در کشورهای فقیر برای همه سرمایه‌گذاری‌ها قابل اجراء است. نرخ آن در یادداشت ویژه دفتر بین‌المللی کار فهرست شده است. این یادداشت و رعایت حقوق اساسی زحمتکشان (حقوق سندبکایی، کار کودکان و غیره) را در نظر می‌گیرد اما به سطح دستمزدها نمی‌پردازد. ملاک‌های ارزشیابی رعایت این حقوق بر حسب سطح توسعه تغییر می‌یابد.

در برابر کسانی که مدعی‌شدن چنین معیاری برای آزادی مبادله ناپذیرتی است، پاسخ این است که بر عکس این معیار تأمین آزادی مبادله‌ها را هدف خود می‌شاند. هنگامی که حقوق زحمتکشان با اعمال می‌شود، یک بازار مخصوص مهم چنین بازار کار بی‌بهره از آزادی خواهد بود. یک مبادله آزاد واقعی ایجاد می‌کند که آزادی سراسر زنجیر را از نوک تا انتهای آن در برگیرد. بازار کار غیر آزاد به کلی با گشتن مبادله آزاد ناسازگار است.

می‌توان کار را با یک مالیات ۲۰ درصدی عملی بر روی همه سرمایه‌گذاری‌ها در کشورهای پذیرنده سرمایه که در درجه نازل رعایت حقوق اساسی قرار دارند، آغاز کرد این مالیات می‌تواند در کشوری که



را که موجب تحرک سرمایه - مخصوصاً با بیکاری - می‌شود به وسیله مالیات‌هایی که از مردم فقید یعنی عامل‌های ثابت در زمان اقتصادی بدرفتاری می‌شود تأمین کنند کشورهای در حال توسعه به تسامح چنین تدبیری اتخاذ کرده‌اند. رقابت افکارگستختی که این کشورها برای جلب سرمایه‌گذاری مستقیم در خارج به آن تن می‌دهند؛ قرار و مدارهای اجتماعی را به پایین‌ترین سطح سوق می‌دهد و در واقع آن‌ها را به فقر محکوم می‌کند. این سیاست‌ها آن‌ها را در لاک خود محسوس می‌سازد زیرا همواره کشوری وجود ندارد که مزدهای بسیار نازل و محدودیت سخت‌تر حقوق زحمتکشان را پیشنهاد می‌کند. مالیات متغیر برای سرمایه‌گذاری مستقیم در خارج شوق نوعی توسعه قابل دفاع و از حیث اجتماعی ترقی‌خواه است و با آن چه در تاریخ توسعه‌ی اقتصادی به ما می‌آموزد، هماهنگی دارد.

یک نرخ حداکثر ۲۰ درصدی برای سرمایه‌گذاری در خارج سالیانه بین ۱۹۷۵ و ۱۹۸۵ میلادی در درآمد تولید می‌کند. البته این نرخ خیلی کم‌تر از ۷۲۰ میلیارد دلار مالیات نورین است؛ اما این کشورهای در حال توسعه امتیاز دوگانه دارد. این مالیات بر حل مسئله‌های ساختاری که شوق مزدهای پایین و شرایط کار غیرانسانی است، درنگ دارد و به نبود دشوار سیاسی که باید صرف بازتوزیع بخشی از سودهای مالیات بیروس بازی لوزها گردد نیاز ندارد از سوی دیگر، می‌توان مسئله ترکیب و مالیات را در نظر داشت.

وجه دیگر بازسازی مالیات بر سرمایه جلوگیری از دستکاری قیمت‌های اشتغالی است بر محاسبه سودها به شیوه جدید و یکی کردن مکان‌های ست که تابع مالیات‌اند. شیوه مربوط به مالیات واحد (Unitary Tax) که در ایالات متحد وجود دارد می‌تواند مناسب باشد. این شیوه متکی بر مفاهیم محاسبه‌پذیر شناخته شده است و در عین حال به دشواری دور زدن است؛ مانند سودهای ثابت شده جهانی، معامه‌های ثابت شده جهانی و معامه‌ها در یک کشور مفروض، برای سنجش پایه سود مشمول مالیات معامله‌های مالی یک مؤسسه را بر معامله‌های جهانی آن بخش می‌کنند. به منظور یکی کردن سودها از راه مالیات‌بندی در یک کشور مفروض، درجده یاد شده را برای سودهای ثابت شده جهانی به کار می‌نهند. مثلاً اگر به‌بهره شرکت چندملیتی نایکی (Nike) یک میلیارد دلار سود ثابت شده جهانی به دست آورده رقم معامله‌های آن از ۲۰٪ فروش‌هایش در ایالات متحد حاصل می‌شود یعنی این شرکت ۲۰۰ میلیون دلار سود در ایالات متحد دارد و بر این اساس مالیات‌بندی می‌شود امتیاز مالیات واحد این است که مسئله قیمت‌های اشتغالی را حل می‌کند. این کار محاسبه و پرداخت را آسان می‌کند. در این صورت امکان‌های

این حقوق را رعایت می‌کند و یا کوشش‌های گویایی در جهت درست به عمل می‌آورد تقابل باید پس پیام به فراموشی روشن است. آن‌ها می‌توانند حرجا که سایل باشند سرمایه‌گذاری کنند؛ اما اگر کشورهای را انتخاب کنند که در زمینه اجتماعی خست‌کم‌تری دارند، بیش‌تر مشمول مالیات می‌شوند.

مالیات بر سرمایه‌گذاری مستقیم در خارج در جایی نخست بدین جهت مستقیم می‌شود که دولت‌های کشورهایی که جریان سرمایه‌گذاری از آن‌ها سرچشمه می‌گیرد، باید بخشی از هزینه‌هایی

قرار مالیاتی بسیار دشوار است. زیرا شمال و جنوب هر دو را شامل می‌شود و فشارهایی را که کشورهای جهان سوم برای تبدیل شدن به بهشت مالیاتی متحمل می‌شوند. کاهش می‌دهد.

سه مالیات مورد بحث یعنی مالیات توریسم، مالیات بر سرمایه‌گذاری‌های مستقیم در خارج و مالیات واحد بر سودها مورایی را تشکیل می‌دهند که می‌توانند اندیشه‌هایی را که بیش تر از عدالت و انصاف ایلام می‌گیرند، به خود جلب کنند. نخبگان از دستاویز مدنی‌زده کردن و جهانی شدن برای انتقاد و یورش به نظام‌های تأمین اجتماعی و یورش به زندگی بی‌چیز کشورهای پیشرفته و مردمان فقیرترین کشورهای در حال توسعه استفاده می‌کنند. حال وقت آن است توریتهایی که زیر آماج چنین منتظی قرار نازند از این صلاح‌ها برای مدنی‌زده کردن و جهانی شدن به نفع خود سود جویند.

### تشکیل نخستین سازمان جدید برای خلق سلاح بازارها

در ژوئن ۱۹۹۸ به ابتکار لوموند دیلماتیک سازمانی با شرکت سنسیدیکاها، انجمن‌ها و تشویه‌های مختلف به نام انجمن جهانی برای مبارزه با سلاح‌های مالی بزرگی کمک به شهروندان (ATTAC) به وجود آمد که هدف اساسی آن چنانچه در کارنامه سیاسی آن آمده عبارت از کسب فضاها از دست رفته دموکراسی به نفع قلمرو مالی از راه مالیات‌بندی سرمایه و درآمد‌های آن و مالیات بر بورس‌بازی در زمینه پولی است. این انجمن تا میانه دسامبر ۱۹۹۸ نوبت تقریباً ۲۵۰۰ عضو و نزدیک به ۶۰ کمیته محلی پیرامون خود گردآوری کرد. پایه سیاسی آن‌ها که در مجمع عمومی آن در سوم ژوئن ۱۹۹۸ به تصویب رسید، اثرین قرار است:

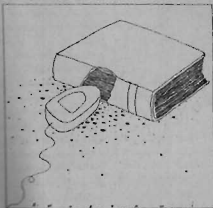
«جهانی شدن مالی نامعنی اقتصادی و نابرابری‌های اجتماعی را شدت داده است. این جهانی شدن گزینش‌های خلق‌ها، نهاد‌های دموکراتیک و دولت‌های حاکم مدافع نفع عمومی را دور می‌زند و کاهش می‌دهد و منطقی‌های دقیقاً سودگانه را چنانچه آن‌ها که می‌سازد که تنها بیابانگر منتضت‌های مؤسسه‌های فرامی و بازارهای مالی است.

به خاطر درگیری جهانی که هم‌چنین امروزی مقدس و نامرد می‌شود، شهروندان و نمایندگان آن‌ها پیرامون قدرت تصمیم‌گیری درباره سرنوشت‌شان به بحث و جدل متخلفند. یک چنین تنزل و ناتوانی به صورت ورش حزب‌های ضد دموکراتیک تمام می‌شود متوقف کردن این روند با ایجاد ابزار‌های جدید تنظیم و نظارت و برنامه‌ریزی‌های ملی، اروپایی و بین‌المللی به امری حیاتی تبدیل شده است. تجربه نشان می‌دهد که دولت‌ها بدون ترغیب در این زمینه اقدام نخواهند کرد بنابراین، مقابله با

مصاف دوگانه انتخاب اجتماعی و تألیفی سیاسی خیزشی مدنی و مبارز می‌شود.

آزادی کامل گردش سرمایه و بهشت‌های مالیاتی و فوژن حجم معامله‌های سودگرنه دولت‌ها و راه مسابقه شدید به نفع سرمایه‌گذاران بزرگ سبق می‌دهد. به نام مدنی‌زده هر روز ۱۵۰۰ میلیارد دلار در بازارهای معامله‌های ارزی برای جستجوی سودهای آتی بدون رابطه با وضع تولید و تجارت تروتسکا و خدمت‌ها در رفت و آمد است. نتیجه چنین تحولی افزایش ناپسند فراموشی سرمایه به زبان فراموشی کار، تعمیق ناپایداری و توسعه فقر است. اثر این پس، زیر پوشش تأمین امنیت، مزدبازان دعوت شده‌اند که ساز و کار صندوق‌های امانه را چنانچه سیستم بازنشستگی خود سازند. این امر موجب تسلیت تقریباً بیش تر مؤسسه‌های خاص‌شان از امر و نهی‌های سودجویی آن می‌گردد و شرایط کار در مؤسسه‌ها را سخت‌تر می‌سازد و منطقه نفوذ حوزه مالی را توسعه می‌دهد و کهنگی ساختار همبسته میان ملت، مردم و نسل‌ها را به

افشای، نابلی مقدر شومون وضعیت ناخوار کنونی ناشی از سانسور اطلاعات درباره‌ی بدلی‌های واقعی است. از این رو نهاد‌های مالی بین‌المللی و رسانه‌های بزرگ که سرپرستان جهان شدن کنونی هستند، ابزاره پیشنهاد اقتصاددان آمریکایی جیمز توربین برنده جایزه نوبل اقتصاد، در زمینه مالیات‌بندی معامله‌های بورس ارائه در بازارهای اروپا بسیار نازل دهم میلیارد دلار در سال عایدی دارد جمع‌آوری این مبلغ به وسیله کشورهای صنعتی و وارزب کردن آن به حساب سازمان‌های بین‌المللی می‌تواند به فعالیت‌ها برای مبارزه علیه نابرابری، ارتقاء، تسلیت و ترویج و بهداشت عمومی در کشورهای فقیر و تأمین غذا و توسعه‌ی پایدار برای رساندن تنها یک چنین دستگاهی قادر است چوب لای چرخ بورس‌بازی بگذارد. منطقی مقاومت را تقویت کند و عرصه آزادی عمل شهروندان و دولت‌ها را گسترش دهد و در یک کلام برتری سیاست را در زندگی اجتماعی بازآوری کند.



باید ثابت به چنین نیت افسانگاران این متن تشکیل انجمن ATTAC (انجمن مالیات‌بندی معامله‌های مالی برای کمک به شهروندان) را پیشنهاد کرده‌اند این انجمن به این امکان می‌دهد اطلاعات لازم برای اقدام مشترک در کشور مربوطه، در سطح اروپا و بین‌المللی جمع‌آوری و منتشر گردد هدف از آن جلوگیری از فراموشی بین‌المللی، انجام مالیات‌بندی بر درآمد‌های سرمایه، تحریم بهشت‌های مالیاتی منع توسعه صندوق‌های امانه و به طوری که فضای از دست رفته دموکراسی به نفع حوزه مالی و سلامت از نوع چشم‌پوشی از حاکمیت دولت‌ها به ضرر تأمین حقوقی سرمایه‌گذاران و تأمین است‌های این اقدام‌ها به خاطر این است که این اقدام جهان در دست ما باشد.

شهروندان عالمی کند.

کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی به پهنای توسعه‌ی اقتصادی و تأمین شغل از افسان‌سوانتست چند جانبه در سرمایه‌گذاری (AMI) که همه حقیق را به سرمایه‌گذاران وامی‌گذارد و تمامی وظیفه‌ها را برای پیشبرد این مقصود به دولت تحویل می‌کند، صرف‌نظر نکردند. در بین حال کمیسیون اروپایی و برخی دولت‌ها می‌گویند جنگ صلیبی مبارده آزادان را از راه ایجاد بازار جدید فراموشی (NTM) که آشکارا برقراری سرکردگی ایالات متحد را در زمینه‌ی عمومی، بصری و تحریب سیاست کشاورزی مشترک در نظر دارد دنبال کنند. به هر دو پیش‌تر چرخنده‌های این ماشین تاوان‌ها در ساختار رابطه شمال و جنوب و نیز درون خود کشورهای پیشرفته هنوز می‌تواند از کار بیفتد.